

دکتر بهزاد شاهنده \*

## تأملی در خصوص پویایی «اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی» (آسه آن)

چکیده: در ژوئیه ۱۹۹۷ اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی سی امین سالگرد خود را در کوالالمپور با پذیرش دو کشور میانمار (برمه) و لائوس جشن گرفت. «آسه آن» طی سی سال حیات خود از یک اتحادیه غیر مطرح در سطح بین المللی به پویاترین سازمان منطقه‌ای جهان مبدل شده است. موفقیت بزرگ «آسه آن» در تعمیم همکاریهای اقتصادی به حوزه‌های امنیتی-سیاسی است و این خود ضامن بقاء و پویایی آن اتحادیه شده است. ایجاد جو سازنده در منطقه، نهادینه شدن مشارکت منطقه‌ای، تبدیل اتحادیه به سازمانی فراملی، گره خوردن منافع ملی کشورهای آسیای جنوب شرقی با منافع منطقه‌ای، اولویت دادن به همکاری منطقه‌ای، شکل گرفتن «آسه آن» به عنوان نهادی واحد در مقابل توسعه طلبی‌های کشورهای زورمدار منطقه، موضع‌گیریهای مشترک در قبال مسائل منطقه‌ای و جهانی از دیگر موفقیت‌های آن اتحادیه است.

حوزه آسیا-پاسفیک<sup>۱</sup> شامل کشورهای شمال شرقی آسیا، جنوب شرقی آسیا، حوزه اقیانوسیه و کشورهای حاشیه اقیانوس آرام (پاسفیک) در حال حاضر (پایان سال ۱۹۹۷) از ثبات نسبی برخوردار است و هیچ تنش جدی در آن قابل مشاهده نیست، زیرا که در آنجا اصل بر همکاری و تعاون میان کشورهای منطقه است و درگیریهای حاد گذشته جای خود را به گسترش مبادلات و همکاریهای اقتصادی-تجاری داده‌اند. از این رو، در

\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



آینده قابل پیش بینی (حداکثر پنج سال) نزاعی جدی در این حوزه انتظار نمی رود. (۱)

یکی از دلایل بارز و ملموس کاهش تنش در منطقه مورد بحث، روحیه همکاری و تعاونی است که در زیرمجموعه جنوب شرقی آسیا تبلور پیدا کرده است. وضعیت مثبت موجود حاصل تلاشهای عمدی فردی یا گروهی کشورهای جنوب شرقی آسیا در ساخت محیطی است که باعث کاهش تنش و تقویت همکاری گردیده است. ثبات منطقه‌ای زمینه‌های لازم برای تعقیب استراتژیهای بلندمدت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را فراهم ساخته و در این امر موفقیت چشم‌گیر حاصل شده است. «اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی» (آسه آن)<sup>۱</sup> در ایجاد این جو همکاری و مودت در منطقه به عنوان پیشگام عمل کرده است. «آسه آن» در سال ۱۹۶۷ با امضای «اعلامیه بانکوک»<sup>۲</sup> بین پنج کشور بنیانگذار، یعنی تایلند، مالزی، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین، در اوج «جنگ دوم ویتنام» (۲) تشکیل گردید (۳) و همکاریهای اقتصادی را سرلوحه اقدامات خود قرار داد با این باور که صرفاً از طریق همکاری اقتصادی و تجاری می‌توان ثبات منطقه‌ای را تحکیم کرد و در پی آن در بلندمدت (مرحله دوم) به همکاریهای سیاسی - امنیتی دست یافت. شایان ذکر است که هدف پوشیده ولی اصلی تأسیس «آسه آن» ایجاد حوزه‌ای از کشورهای غیرکمونیسست بود که بتواند جبهه‌ای در مقابل ویتنام و به طور کلی گسترش نفوذ کمونیزم در منطقه ایجاد نماید؛ البته برای پرهیز از هرگونه موضع‌گیری خصمانه از سوی دولت‌های کمونیسست منطقه و نیز اربابان غیرمنطقه‌ای آنها، در «اعلامیه بانکوک» هیچ اشاره‌ای به اتحاد امنیتی - سیاسی نشده است. در آن سالها شدت و حدت خطر کمونیزم در منطقه به حدی بود که دول پنجگانه «آسه آن» گرچه با یکدیگر تنش مرزی شدید داشتند (مالزی با اندونزی، مالزی با سنگاپور، مالزی با فیلیپین و تایلند با مالزی) موقتاً منازعات خود را کنار گذاشتند و برای حصول هدفی برتر به همکاری با یکدیگر پرداختند. اما پس از مدتی به روحیه همکاری خود گرفته و به مرور زمان به حل و فصل اختلافات خود پرداختند یا حل آنها را موکول به آینده کردند. (۴)

1. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

2. Bangkok Declaration



کشورهای عضو «آسه آن» در همان مراحل اولیه همکاریهای اقتصادی و تجاری دریافتند که هدف عالی، حفظ صلح و ایجاد زمینه‌های مناسب برای «توسعه هم‌جانبه»<sup>۱</sup> است، از این‌رو بایستی به‌منظور تقویت خود، به ایجاد مناسبات سیاسی-اقتصادی با کشورهای بزرگ منطقه، یعنی جمهوری خلق چین و ژاپن، مبادرت ورزند و توسعه را به ورای منطقه آسیای جنوب‌شرقی تعمیم دهند. با سیاست صبر و حوصله کشورهای «آسه آن» که همگی در دوران اشغال کشورهایشان به‌وسیله ژاپن در جنگ دوم جهانی (۱۹۴۲-۴۵) از آن کشور زخم خورده بودند (حتی تایلند که مستقیماً به اشغال ژاپن درنیامد) به ایجاد مناسبات تجاری با ژاپن پرداختند و ژاپن را هر چه بیشتر در مناسبات منطقه‌ای درگیر کردند؛ به‌طوری که هم‌اکنون ژاپن مدعی اصلی ثبات کشورهای منطقه شده است. برای مثال کمک‌های ژاپن برای برطرف کردن بحران مالی سال جاری در کشورهای جنوب‌شرقی آسیا به‌خصوص تایلند و اندونزی چشم‌گیر می‌باشد. (۵) «سیاست همکاری سازنده»<sup>۲</sup> «آسه آن» درخصوص درگیر کردن جمهوری خلق چین در منطقه جنوب‌شرقی آسیا نیز موفق بوده است؛ به‌طوری که کشورهای مذکور توانستند در مقابل توسعه‌طلبی‌های «بی‌جینگ»<sup>۳</sup> در «دریای جنوب چین»<sup>۴</sup> و ادعاهای غیرمستند آن مقابله کنند. در خصوص ادعای چین بر کل سلسله جزایر چین و تلقی حاکمیت مطلق بر این سلسله جزایر، چین با دیگر مدعیانی که از لحاظ تاریخی حق و حقوق مسلم دارند (ویتنام، مالزی، فیلیپین، برونئی و اندونزی) درگیر است. چین هیچگاه کشوری دریانورد نبوده و خارج از مرزهای آبی (ساحلی) تردد نداشته است. حقیقت این است که چین به عنوان امپراتوری مرکزی آسیای شرقی همیشه بدون حضور فیزیکی، به منطقه اشراف معنوی و سیاسی داشته است و این دیگران بودند که به دربار چین باج و خراج برده و از سایه حمایت چین برخوردار شده‌اند. (۶) با وجود این، چین در سال ۱۹۹۲ در متممی به قانون اساسی خود، حاکمیت کل جزایر اسپراتلی<sup>۵</sup> را در حوزه جغرافیایی خود قرار داده

1. Comprehensive development

2. Constructive Engagement Policy

3. Beijing

4. South China Sea

5. The Spratlys



است. کشورهای «آسه آن» در مقابل تجاوزطلبی‌های لفظی و گاه فیزیکی چین، اهرم فشار را از چین گرفته و در اجلاس سران در سلطان‌نشین برونی در سال ۱۹۹۵ تأکید کردند که «آسه آن» به‌عنوان یک واحد در مقابل چین قرار دارد و از این به بعد هرگونه توسعه‌طلبی چین در قبال سلسله جزایر اسپراتلی با برخورد واحد و یکپارچه «آسه آن» روبه‌رو خواهد شد. به نظر نگارنده پذیرش این موضع از سوی چین برای «آسه آن» موفقیت بزرگی است.

امروزه همکاریهای اقتصادی و تجاری کشورهای عضو «آسه آن»، که از ماه ژوئیه ۱۹۹۷ در اجلاس کوالالمپور با پذیرش برمه و لائوس به نه کشور افزایش پیدا کرده‌اند، نهادینه شده است و این به آنها جرأت داده است که برخلاف گذشته که از مطرح کردن مسائل امنیتی و سیاسی هراس داشتند، به آن مسائل پرداخته، به‌طور مستقیم خواستار گفت‌وگوی منطقه‌ای درخصوص مسائل امنیتی منطقه شوند. در اجلاس چهارم سران «آسه آن» در سال ۱۹۹۲ که در «کشور جزیره‌ای (دولت - شهر) سنگاپور»<sup>(۷)</sup> برگزار گردید، شش کشور عضو آن زمان طرح تأسیس «مجمع امنیتی آسه آن»<sup>۱</sup> را بررسی کردند و سال بعد آن مجمع رسمیت پیدا کرد. مجمع مزبور، که اولین مکانیزم امنیتی در منطقه جنوب شرقی آسیا به شمار می‌رود، هم‌اکنون کل اعضای «آسه آن»، «شرکای مورد مذاکره آسه آن»<sup>۲</sup>، روسیه، جمهوری خلق چین و پاپائوگینه جدید را در بر دارد و به «آسه آن» ثبات بیشتری بخشیده است؛ زیرا از طریق آن کشورهای بزرگ در امور امنیتی منطقه دخیل شده‌اند. مجمع، مرجع خوبی است برای طرح مسائل مربوط به امنیت منطقه و به بحث گذاشتن مسائلی که پیشتر عنوان کردن آنها میسر نبود.

توسعه اقتصادی به‌عنوان پیش‌قراول همکاریهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی در حوزه «آسه آن» رشد چشم‌گیری داشته است. کشورهای عضو اتحادیه «آسه آن» توانسته‌اند طی سه دهه گذشته به‌طور متوسط رشدی شش درصدی در «تولید ناخالص داخلی» داشته

1. ASEAN Regional Forum (ARF)

2. ASEAN Dialogue Partners (Australia, Canada, the EC, Japan, The Republic of Korea, New Zealand, and the USA)



باشند و انتظار می‌رود در میان مدت بتوانند به رشد هفت درصد دست یابند. موفقیت اقتصادی «آسه آن» باعث شده است که این سازمان به عنوان سازمانی اقتصادی با بالاترین کمیت و کیفیت رشد در میان مناطق (پیمانهای) تجاری - اقتصادی جهان مطرح شود. پیش‌بینی می‌شود که در آینده نه چندان دور «آسه آن» به سبب برخورداری از بالاترین رشد اقتصادی گوی سبقت را از اقتصادهای تازه صنعتی شده برآید. (۸)

«آسه آن» در جایگاه بسیار خوبی واقع شده است؛ البته امروزه موقعیت خوب جغرافیایی، برعکس گذشته، صرفاً قرار گرفتن در کنار قدرتهای بزرگ سیاسی و... نیست، بلکه واقع شدن در حوزه رشد موهبتی است عظیم که «آسه آن» از آن برخوردار بوده و هست. تجارت درون منطقه‌ای شرق آسیا ۴۳ درصد کل تجارت منطقه را در بر می‌گیرد. (۹) در خصوص سرمایه‌گذاری و جریان پولی و مالی در منطقه، بین سالهای ۱۹۸۶ الی ۱۹۹۲ قریب به ۷۰ درصد کل سرمایه‌گذاری در منطقه شرق آسیا از داخل خود منطقه بوده است (حضور قدرتهای بزرگ اقتصادی ژاپن، کره جنوبی و تایوان و سرایت توسعه از طریق ژاپن به کشورهای تازه صنعتی شده و سپس به «آسه آن» و پدیده «غازهای پرنده»<sup>۱</sup>) در آن زمان آمریکا و اروپا هر کدام سهمی ده درصدی در سرمایه‌گذاری منطقه در اختیار داشتند. بانکهای مرکزی کشورهای شرق آسیا هم‌اکنون بیش از ۴۵ درصد کل ذخایر ارزی خارجی دنیا را در اختیار دارند و حال که قدرتهای بزرگ منطقه، به ویژه ژاپن، سیاست نگاه به شرق را دنبال می‌کنند، تایوان در صدد مداخله فعالتر در منطقه است و کره جنوبی در توسعه منطقه جنوب شرقی آسیا دخیل شده است، آینده درخشانی در پیش روی «آسه آن» است. این توسعه کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر در زمان به مراتب کوتاهتری نسبت به دیگر مناطق جهان و عملاً بدون ترتیبات امنیتی رسمی و فراگیر در منطقه انجام گرفته است. «مجمع منطقه‌ای آسه آن» در نتیجه موفقیت‌های اقتصادی «آسه آن» شکل گرفته و نه برعکس؛ آنچنان که اغلب استدلال می‌شود که ابتدا امنیت باید وجود داشته باشد تا توسعه انجام گیرد.

پدیده آسیای شرقی یکی از ابعاد توسعه در منطقه بزرگ «آسیا - پاسفیک» است.



هجده کشور (به عبارت بهتر اقتصاد) «سازمان همکاریهای اقتصادی آسیا - پاسفیک» (اِپِک)<sup>۱</sup> را در سال ۱۹۸۹ تشکیل دادند. این سازمان به پیشنهاد استرالیا و پیگیری کلیتون، رئیس جمهور امریکا، شکل گرفت و توسعه یافت و تا به امروز چهار اجلاس سران (سیاتل امریکا<sup>۲</sup> ۱۹۹۳، بوگور اندونزی<sup>۳</sup> ۱۹۹۴، اوساکای ژاپن<sup>۴</sup> ۱۹۹۵ و مانیل فیلیپین<sup>۵</sup> ۱۹۹۶) برگزار کرده‌اند. تولید ناخالص ملی «اِپِک» بیش از ۱۳ هزار میلیارد دلار امریکا، یعنی بیش از نصف تولید جهان، است. امریکا و اتحادیه اروپا بیشتر با آسیا مبادلات دارند تا با یکدیگر. بنابراین «اِپِک» صحنه را برای همکاریهای بیشتر «آسه آن» با شرکای اصلی تجاری اش فراهم ساخته است.

به علت قدرت اقتصادی فوق‌العاده سازمان «اِپِک»، نگرانی نسبت به غیرفعال شدن «آسه آن» پدید آمده است. زمانی که در سال ۱۹۹۳ مقرر گردید سران «اِپِک» همه‌ساله اجلاس رسمی سالانه داشته باشند این بیم و هراس بیشتر شد. با وجود این، نکته‌ای که باید به خاطر داشت چهارچوب همکاریهای کشورهای عضو «آسه آن» است که به مراتب فراتر از همکاریهای اقتصادی است. به نظر نگارنده در حقیقت «اِپِک» که حوزه آسیا - پاسفیک را محور قرار داده است باعث پویایی بیشتر «آسه آن» خواهد شد و «آسه آن» آسانتر از گذشته به بازارهای کشورهای عضو «اِپِک» راه خواهد یافت و اقتصادش مورد حفاظت بیشتر قرار خواهد گرفت و با پذیرش میانمار (کشوری بالقوه قدرتمند از لحاظ اقتصادی) در شرایط بهتری نیز واقع می‌شود؛ البته اگر تعدیلاتی در نظام کشور میانمار انجام گیرد. (۱۰)

جدا از جدّیتی که از سال ۱۹۹۶ در کنفرانس سران «اِپِک» (اجلاس چهارم) برای تحکیم سازمان «اِپِک» اعمال شد، باید به اراده اروپا برای حضور بیشتر و رسمی‌تر در حوزه آسیا اشاره کرد. «شورای اروپا» در دسامبر ۱۹۹۴ «استراتژی جدید آسیایی» را اعلام کرد. استراتژی فوق‌خواهان حضور بیشتر و جدّیتر اروپا در آسیا شده است. مسأله

1. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)

2. Seattle (U.S.A)

3. Bogor (Indonesia)

4. Osaka (Japan)

5. Manila (the Philippines)



مهم برای اروپای متحد بهره‌گیری از فرصتهایی است که برای مبادلات تجاری - اقتصادی در بازار عظیم آسیا و به‌خصوص مشارکت در منطقه آسیا - پاسفیک وجود دارد. رقابت امریکا، اقیانوسیه و اروپا در آسیا فرصتی است مغتنم برای آسیایی‌ها تا بتوانند به بهترین وجه از تکنولوژی، ارتباطات و... آنها استفاده کنند و توان خود را به‌عنوان قدرتهای بالفعل و بالقوه بزرگ جهان قرن بیست و یکم افزایش دهند. «اتحادیه اروپا» پیوند نزدیک‌تر با اتحادیه «آسه آن» را رکن اساسی استراتژی بلندمدت خود در آسیا تلقی می‌نماید.

اولین «اجلاس آسیا - اروپا»<sup>۱</sup>، موسوم به «آسم»، در سال ۱۹۹۶ در تایلند و دومین اجلاس آن در مارس ۱۹۹۷ در سنگاپور برگزار گردید؛ اجلاس سوم قرار است در لندن برگزار شود. (۱۱) در اجلاس اول کشورهای عضو «آسه آن» و قدرتهای بزرگ اقتصادی و سیاسی شرق آسیا، یعنی چین، ژاپن و کره جنوبی، شرکت داشتند. در مورد اروپا حضور به‌عضای پانزده‌گانه اتحادیه اروپا محدود شده بود. در اجلاس دوم حضور هندوستان و دیگر قدرتهای بزرگ آسیا مطرح گردید و مقرر گردید در اجلاس آتی به تقاضای آنها رسیدگی شود و به احتمال زیاد در اجلاس لندن، کشور بزرگ هندوستان، که احتمالاً به‌زودی یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل خواهد شد، به عضویت «آسم» در خواهد آمد. بنابراین به موازات «ایپک»، «اجلاس آسیا - اروپا» موقعیت تازه‌ای برای پویایی هر چه بیشتر «آسه آن» به‌عنوان پیشگام در همکاری و تعاون منطقه شرق آسیا ایجاد کرده است. (۱۲) حضور «آسه آن» در مسائل فرامنطقه‌ای آسیای جنوب شرقی (اصل در «آسه آن» گسترش همکاری فرامنطقه‌ای به‌عنوان اهرمی در حفظ پویایی و امنیت در منطقه جنوب شرقی آسیا است) در پی پیوند با اتحادیه اروپا شکل جدیتری به خود گرفته است و پس از اولین اجلاس «آسم» اقداماتی به‌منظور همکاری بین‌المللی، به‌ویژه درخصوص اصلاح نظام سازمان ملل متحد، انجام شد که خود نشانه بارزی از قدرت «آسه آن» و مطرح شدن آن نه تنها در منطقه شرق آسیا بلکه در سطح جهان است که به نظر نگارنده ناشی از اجماع کشورهای عضو «آسه آن» در همکاریهای اقتصادی -



تجاری منطقه و دادن انسجام هر چه بیشتر به آنها، ایجاد مکانیزمها و نهادهای لازم در جهت توسعه و تعمیم آن به حوزه سیاسی - امنیتی می باشد. در حقیقت اگر علم را انباشتی قلمداد کنید، سیاستهای موفق توسعه از جمله ایجاد نهادها و فرهنگ توسعه نیز انباشتی خواهد بود و در نهایت به دگرگونی ساختار سیاسی خواهد انجامید؛ پدیده‌ای که ما هم‌اکنون در کشورهای جنوب شرقی آسیا شاهد آن هستیم؛ یعنی نضج گرفتن دموکراسی در پرتو توسعه اقتصادی و مقدم دانستن توسعه و اصلاحات اقتصادی بر اصلاحات سیاسی (مدل شرق آسیا).

مسئله جالب توجه در خصوص اولین «اجلاس آسیا - اروپا» حضور آن دسته از کشورهای آسیایی بود که «ماهاتیر محمد»<sup>۱</sup> در طرح «گروه (مجمع) اقتصادی شرق آسیا»<sup>۲</sup> در نظر داشت؛ یعنی کشورهای «آسه آن» به اضافه چین کمونیست، کره جنوبی و ژاپن منهای استرالیا، زلاندنو و امریکا. سه کشور آخر همراه با کشورهای آسیایی فوق و مکزیک و شیلی در «اپک» (جمعاً ۱۸ کشور) هم سازمان هستند.

طرح متمم همکاریهای اقتصادی «آسه آن» معروف به «حوزه تجارت آزاد آسه آن» (افتا) در اجلاس چهارم<sup>۳</sup> سران «آسه آن» در سنگاپور در دسامبر ۱۹۹۲ مورد موافقت قرار گرفت. «افتا» بیانگر جهشی کوانتومی در تاریخ همکاریهای «آسه آن» به شمار می رود. موافقت در تلاش برای دستیابی به «افتا» در سال ۲۰۰۳ (یعنی داشتن منطقه‌ای عاری از هرگونه تعرفه تجاری، موانع گمرکی و ...) بار دیگر نشان داد که اجماع در پیشرفت و انسجام و وحدت بیشتر در میان اعضای «آسه آن» امری طبیعی است. شایان ذکر است که ابتدا قرار بود «افتا» در سال ۲۰۰۸ تحقق یابد، ولی اراده کشورهای عضو در همکاری سازنده بیشتر، تاریخ آن را ۵ سال جلو انداخت و قرار است در سال ۲۰۰۳ این امر به واقعیت تبدیل گردد. نکته دیگری که در خصوص «افتا» باید عنوان کرد این است که موافقت با ایجاد آن، نقطه عطفی در تاریخ حیات محافظه کارانه «آسه آن» است و

1. Mahathir Mohamad (the Premier of Malaysia)
2. East Asia Economic Caucus (Group) (EAEG)
3. ASEAN Free Trade Area (AFTA)



فصل جدیدی در روابط میان کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌گشاید. «آسه آن» به خوبی دریافته است که باید خود را با جهان و «جهان‌گرایی»<sup>۱</sup> منطبق سازد و گرنه در تلاطم موجهای سنگین آن یارای مقاومت نخواهد داشت.

طرحهای پیشین به علت فقدان اجماع در تصمیم‌گیریها موفقیتی صرفاً نسبی داشتند. برای مثال «فهرست حذفی» در خصوص کالاهای حساس (مورد موافقت کل کشورها به دلیل ضعفهایی که هر کدام از اقتصادها داشتند) و خارج کردن آن از «ترتیبات ترجیحی تجاری»<sup>۲</sup>، که در سال ۱۹۷۷ مورد موافقت قرار گرفته بود، عملکرد آن ترتیبات را با شکست روبه‌رو کرد. اجماع لازم برای ترتیبات ترجیحی وجود نداشت و وقتی فهرست حذفی مطرح شد و کالاهای حساس را از ترتیبات جدا کردند، عملاً چیزی در ترتیبات باقی نمانده بود که به آن پویایی بخشند؛ به طوری که ده سال بعد فقط ۵ درصد از کل دوازده هزار کالایی که به طور فعالانه رد و بدل می‌شدند در ترتیبات قرار داشتند. ولی در مقام مقایسه، ارزش تجاری کالاهای تحت پوشش در ترتیبات «افتا» (فهرست «افتا») ۸۵ درصد کل تجارت درون منطقه‌ای «آسه آن» را در سال ۱۹۹۳ دربرداشت. با قرار گرفتن کالاهای اساسی (کالاهایی که محصول اصلی کشورهاست و نمی‌توانند نسبت به آنها حساس نباشند) از قبیل برنج در برنامه تجاری منطقه و ارائه برنامه زمان‌بندی حذف آن کالاها از «فهرست حذفی موقتی»<sup>۳</sup>، پوشش تجاری (در بر گرفتن کالاها) در سال ۲۰۰۰ تا حد ۹۵ درصد خواهد رسید و با کوشش بیشتر در سال ۲۰۰۳ کل کالاها را دربر خواهد گرفت. در نتیجه عملکرد «افتا»، تجارت دو طرفه درون منطقه‌ای که در سال ۱۹۹۳ رقمی بالغ بر ۷۶ میلیارد را دربرداشت، در سال ۱۹۹۴ به ۱۱۱ میلیارد دلار رسید (رشدی بالغ بر ۴۱ درصد)؛ در ضمن تجارت درون منطقه‌ای کالاهایی که تحت پوشش «تعرفه ترجیحی مؤثر عمومی»<sup>۴</sup> قرار گرفته بودند رشدی بالغ بر ۴۴ درصد نسبت به سال قبل را

1. Globalization

2. Preferential Trading Arrangements (PTA)

3. Temporary Exclusion List (TEL)

4. Common Effective Preferential Tariff (CEPT)



نشان می‌دادند. تحول فوق به گسترش و پویایی تجارت درون منطقه‌ای منجر شده است و ۲۰ درصد کل تجارت «آسه آن» در سال ۱۹۹۴ (رقمی بالغ بر ۵۰۵ میلیارد دلار) را در برمی‌گیرد که برای اولین بار در مقایسه با تجارت «آسه آن» با کشورهای بیرون منطقه (با ژاپن ۱۹ درصد، با امریکا ۱۷ درصد و با اتحادیه اروپا ۱۵ درصد) بیشتر شده است که موفقیت بزرگ دیگری برای «آسه آن» به حساب می‌آید و وابستگی متقابل بیشتر کشورهای عضو و در نهایت همکاری بیشتر را در تمام زمینه‌ها به دنبال داشته است.

آغاز به کار «افتا» و حرکت به سوی پیشبرد آن، تغییرات اساسی، در مکانیزمهای اقتصادی متداول در «آسه آن» ایجاد کرده است. برای مثال اتحادیه «آسه آن» تصمیم به انسجام بیشتر فعالیتهای اقتصادی و حذف کمیته‌های گوناگونی که کار مشترک انجام می‌دادند و جایگزین کردن آن با «اجلاس مقامات ارشد اقتصادی آسه آن»<sup>۱</sup> گرفته است. به علاوه به منظور اهمیت بیشتر بخشیدن به «آسه آن» و ارتقاء آن در مناسبات منطقه‌ای مقرر گردیده است که از این پس سمت «دبیر کل آسه آن»<sup>۲</sup> مقام وزیری باشد و از قدرت بیشتری برخوردار باشد (هم‌اکنون دبیر کل «آسه آن» که به طور ادواری انتخاب می‌گردد از کشور فیلیپین است). پیوستن دو کشور لائوس و میانمار (برمه) در سی‌امین سال تشکیل «آسه آن» (۱۹۹۷) جمعیت کشورهای عضو را به ۵۰۰ میلیون نفر رسانیده و تولید ناخالص داخلی آن را به ۴۶۰ میلیارد دلار افزایش داده است. (۱۳)

### بحث نهایی

«آسه آن» طی سی سال حیات خود از اتحادیه‌ای با ۵ عضو به اتحادیه‌ای با ۹ عضو (شامل کشورهای آسیای جنوب شرقی به استثنای کامبوج) توسعه یافت و در زمانی نه چندان دور با عضویت تمامی کشورهای جنوب شرقی آسیا به آرزوی دیرینه خود که همانا در برداشتن تمامی کشورهای ده‌گانه است خواهد رسید. «آسه آن» آنقدر از پیوستن قریب‌الوقوع کامبوج اطمینان دارد که علامت جدیدی حاوی دسته‌ای ده‌گانه از

1. ASEAN Senior Economic Officials Meeting, A (SEOM)

2. ASEAN Secretary General (Ministerial status)



خوشه‌های گندم به ثبت رسانده است. شایان ذکر است که این «آسه آن» بوده است که تاکنون از پذیرش کامبوج به دلیل وقوع کودتا سرباز زده است. بنابراین تصمیم‌گیری در این مورد در اختیار خود «آسه آن» است. (۱۴) «آسه آن» در سال ۱۹۶۷ با ۵ عضو (تایلند، مالزی، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین) تشکیل گردید. در سال ۱۹۸۴ کشور کوچک «سلطان‌نشین برونی» پس از کسب استقلال از بریتانیا به عضویت آن درآمد (عضو ششم). ویتنام متخاصم اصلی و علت غائی، اما پنهان، تشکیل آن (زیرا «آسه آن» هدف تشکیل خود را همگرایی اقتصادی اعلام کرده بود) در سال ۱۹۹۵ به عضویت «آسه آن» درآمد که خود موفقیت بزرگی بود چرا که خصم گذشته به یکی از اعضای خانواده بدل شد و سرانجام در ژوئیه ۱۹۹۷ طی «اجلاس کوالالامپور»<sup>۱</sup> (به مناسبات سی‌امین سالگرد «آسه آن») دو کشور میانمار (برمه) و لائوس به اتحادیه پیوستند و تعداد اعضا به نه رسید. گرچه در دستور کار اجلاس مذکور به عضویت پذیرفتن کامبوج هم مطرح بود، اما آرزوی عضویت ده کشور تحقق نیافت و علت آن، چنانچه پیشتر اشاره شد، وقوع کودتایی بود که به وسیله «هون سن»<sup>۲</sup> نخست‌وزیر دوم کامبوج، علیه «شاهزاده رانارید سیهانوک»<sup>۳</sup>، فرزند شاه سیهانوک (۱۵) و نخست‌وزیر اول کشور، رخ داد و «رانارید» را از قدرت ساقط کرد. (وی در آن زمان در خارج از کشور به سر می‌برد.) «آسه آن» برای ایجاد صلح و حفظ ائتلاف در کامبوج به تحریم رژیم کودتای «هون سن» پرداخت و به‌رغم تمامی تلاش‌های وی، رژیم «پنوم پن» را به رسمیت نمی‌شناسد و خواهان تعدیل در سیاست‌های آن شده است؛ موضع‌گیری درست و قاطعی حاکی از قدرت و همبستگی «آسه آن» و دخیل بودن آن در مناسبات منطقه‌ای. (۱۶)

در پایان، همبستگی «آسه آن»، اراده در همکاری و در اولویت قرار دادن وحدت منطقه را باید در برخورد متواضعانه کشورهای عضو «آسه آن» با مسأله آتش‌سوزی جنگل‌های اندونزی و سرایت دود مسموم به کشورهای برونی، مالزی، سنگاپور، تایلند (مناطق جنوبی)، فیلیپین (جزایر جنوبی) و خسارات قابل توجهی که آنها از آتش‌سوزی

1. Kuala Lumpur Meeting

2. Hun Sen

3. Prince Ranaridh Sihanouk



۸۰۰ هزار هکتار زمین‌های جزایر «کالی ماتتان» و «سوماترا» و ... متحمل شدند دید. خویشتن‌داری رهبران کشورهای صدمه‌دیده قابل تحسین می‌باشد. هیچ‌کدام از مقامات کشورهای مزبور، اندونزی را به خاطر سوء مدیریت، عدم توجه و ... به باد انتقاد نگرفتند و به علت داشتن هدفی والاتر، صبر و بردباری پیشه کردند. اگر در هر جایی دیگر از جهان چنین فاجعه‌ای رخ می‌داد و خسارات سنگین به بار می‌آورد، حملات لفظی، انتقادات، تضعیف دولت خاطی و ... از کمترین و کوچکترین عکس‌العمل‌ها بود.

خانواده بزرگ «آسه آن» واقعی است که تحقق پیدا کرده، ایجاد «افتا»، «مجمع منطقه‌ای آسه آن»، حضور فعال در اجلاس «آسم»، حضور قدرتمندان در «اپک»، مقابله واحد در مقابل توسعه‌طلبی‌های چین در دریای جنوب چین، همکاری سازنده با ژاپن (ابر قدرت اقتصادی منطقه)، نزدیکی با قطب‌های اقتصادی منطقه (ژاپن، تایوان و کره جنوبی)، درگیر کردن هر چه بیشتر چین در منطقه به منظور تعدیل خطر بالقوه امپراتوری میانه و ... همگی به «آسه آن» پویایی داده و آینده را برای این اتحادیه موفق جهانی بیمه کرده است. «آسه آن» خود را با تحولات جهانی وفق می‌دهد و همگام با تغییرات خود را متحول می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول شماره یک (کشورهای آسه آن) (۱۷)

| کشور           | تولید ناخالص داخلی<br>(درصد رشد ۱۹۹۱-۱۹۹۷) | تولید ناخالص داخلی سرانه<br>(بر اساس معیار قدرت خرید) | تولید ناخالص سرانه |
|----------------|--|---|--------------------|
| ویتنام         | ۸/۷  | ۱/۳۱۰ دلار آمریکا                                     | ۲۷۰ دلار آمریکا    |
| سنگاپور        | ۸/۶  | ۲۳/۵۶۵ دلار آمریکا                                    | ۳۰/۴۰۰ دلار آمریکا |
| تایلند         | ۸/۴  | ۷/۵۳۵ دلار آمریکا                                     | ۲/۹۸۰ دلار آمریکا  |
| مالزی          | ۷/۱  | ۳/۷۰۵ دلار آمریکا                                     | ۱/۰۸۶ دلار آمریکا  |
| اندونزی        | ۶/۸  | ۹/۴۷۰ دلار آمریکا                                     | ۴/۴۶۶ دلار آمریکا  |
| فیلیپین        | ۲/۲  | ۲/۹۳۵ دلار آمریکا                                     | ۱/۲۶۵ دلار آمریکا  |
| میانمار (برمه) | ۶/۰  | ۷۵۳ دلار آمریکا                                       | ۷۶۵ دلار آمریکا    |
| لائوس          | ۶/۹  | ۱/۶۷۰ دلار آمریکا                                     | ۳۷۰ دلار آمریکا    |



جدول شماره دو (کشورهای آسه آن)(۱۸)

| کشور    | جمعیت      | حدمتوسطسن | درصدباسوادی | ذخایر ارزی      |
|---------|------------|-----------|-------------|-----------------|
| برونی   | ۳۰۰ هزار   | ۷۵        | ۸۹/۲        | ۳۱ میلیارد دلار |
| مالزی   | ۲۰ میلیون  | ۷۲        | ۸۹/۳        | ۲۶ میلیارد دلار |
| سنگاپور | ۳ میلیون   | ۷۶        | ۹۶          | ۷۵ میلیارد دلار |
| اندونزی | ۱۹۷ میلیون | ۶۳        | ۸۴          | ۱۵ میلیارد دلار |
| تایلند  | ۶۱ میلیون  | ۶۹        | ۹۳          | ۳۸ میلیارد دلار |
| فیلیپین | ۶۹ میلیون  | ۶۷        | ۹۴          | ۱۰ میلیارد دلار |
| ویتنام  | ۷۷ میلیون  | ۶۷        | ۹۲          | ۶۰۰ میلیون دلار |
| میانمار | ۴۹ میلیون  | ۵۹        | ۸۹          | ۲۰۰ میلیون دلار |
| لائوس   | ۵ میلیون   | ۵۲        | ۸۵          | ۲۰۰ میلیون دلار |

جدول شماره سه (کشورهای آسه آن)(۱۹)

| کشور    | صنایع اصلی                                     |
|---------|--|
| مالزی   | معادن قلع، الکترونیک، منسوجات، کائوچو          |
| سنگاپور | پالایش نفت، کشتی سازی، کامپیوتر، الکترونیک     |
| اندونزی | نفت و گاز و معادن، الکترونیک، کائوچو           |
| تایلند  | منسوجات، سیمان، الکترونیک، پوشاک               |
| فیلیپین | مواد غذایی، الکترونیک، مواد شیمیایی            |
| ویتنام  | نفت، صنایع مواد غذایی، فلزات                   |
| میانمار | مواد غذایی، توتون، مواد شیمیایی، نفت           |
| لائوس   | توتون، منسوجات، پوشاک، مواد غذایی، آهن و فولاد |

### یادداشت‌ها

1. Paul Dibb, *Towards A New Balance in Southeast Asia* (Aldephi: Paper, no.295, 1995), pp.11-14.

۲. جنگ دوم ویتنام (Second Vietnamese War) اشاره به جنگ امریکا علیه ویتنام دارد.



جنگ اول ویتنام جنگ فرانسه علیه ویتنام است که با شکست بزرگ فرانسه در دین بین فو (Dien Bien Phu) به پایان رسید و متارکه جنگ در سال ۱۹۵۴ در ژنو به امضا رسید برای مطالعه بیشتر به کتاب نگارنده تحت عنوان حکومت و سیاست در کشورهای آسیای جنوب شرقی (تهران: انتشارات سازمان سمت ۱۳۷۵) مراجعه کنید.

3. Michael leifer, *Dictionary of Modern Politics of South-East Asia* (London: Routledge, 1995), p.110.

۴. به قول انگلیسی‌ها کشورهای پنج‌گانه اختلافات خود را در اجاق عقبی قرار دادند و شعله آن را کم کردند (Put the differences on the back furnace with lowering the heat) و آنقدر نگران خطر بی‌ثباتی ناشی از نفوذ کمونیزم بودند که به مرور زمان شعله اجاق عقبی خاموش گردید.

5. "Changing the Tiger's Stripes", *Asiaweek*, October 10, 199, p.12 and 13.

۶. به کتاب نگارنده تحت عنوان انقلاب چین (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۶۵) مراجعه کنید. جالب توجه است که به زبان چینی کشور چین وجود ندارد، بلکه چینی‌ها به کشورشان امپراتوری میانه (جونگ گو) اطلاق می‌کنند که خود نشانه مرکزیتی است که چین همیشه برای خود قائل بوده است.

۷. این کشور کوچک جزیره‌ای (Island-state) با جمعیتی بالغ بر سه میلیون در سال ۱۹۹۲ به عنوان کشوری توسعه‌یافته شناخته گردید و اولین کشوری است در آسیای جنوب شرقی که به این موقعیت نازل می‌شود. سه کشور مالزی - تایلند و اندونزی در راه سنگاپور قدم گذاشته و در ربع اول قرن بیست و یکم منزلت توسعه‌یافتگی را به دست خواهند آورد.

۸. منظور از اقتصادی تازه صنعتی شده (The Newly Industrializing Economics) کشورهای تایوان (چین تایپه)، هنگ‌کنگ (قبل از اول ژوئیه ۱۹۹۷)، جمهوری کره (کره جنوبی) و سنگاپور است.

9. "ASEAN, the Way Forward", *ASEAN Report*, 1997 (JaKarta), p.101.

۱۰. کشور میانمار از سال ۱۹۸۹ به وسیله «شورای حفظ و احیاء قانون ثبات و امنیت کشوری (State law and order Restoration Council) اداره می‌شد که بعد از پیوستن میانمار به «آسه آن» در ژوئیه ۱۹۹۷ به «شورای صلح و توسعه» (Peace and Development Council) تبدیل شده است و مورد تحریم اغلب کشورهای غربی به ویژه آمریکا است. سیاست «آسه آن» در پذیرش میانمار (با حمایت مستقیم و پیگیری ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی، و سوهارتو، رئیس‌جمهور اندونزی) ادامه سیاست همکاری‌های سازنده و به قولی تعدیل رژیم رانگون (Rangoon-Yangoon) از داخل می‌باشد. نگارنده بر این عقیده است که سیاست درگیر کردن



میانمار می‌تواند به قدرت رسیدن خانم آنگ سان سووکی (Aung San Suukyi)، رهبر جبهه دموکراتیک (Democratic League) و برنده جایزه صلح نوبل، کمک کند.

۱۱. از هم‌اکنون در خصوص شرکت میانمار در اجلاس لندن (اجلاس سوم آسیم) اختلافاتی بین اروپا و کشورهای «آسه آن» رخ داده است؛ زیرا که «آسه آن» بر این اعتقاد است که تمامی اعضا بلااستثناء باید در آن اجلاس شرکت کنند، اما اروپا ورود هر عضو جدیدی را با اجماع اعضای قبلی می‌پذیرد.  
۱۲. حجم مبادلات اقتصادی «آسه آن» و اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۷ به صد میلیارد دلار بالغ گردید که البته گنجایش افزایش چند برابر را نیز دارد.

13. Behzad Shahandeh, "Towards An ASEAN Ten", *Iran News Analysis* (July 10, 1997), p.13

14. Behzad Shahandeh, "Constructive Disengagement - ASEAN's Policy Towards Combodia", *Iran News Analysis* (July 17, 1997), p.14.

۱۵. پادشاه نورودوم سیهانوک پادشاه کامبوج بیشتر وقت خود را در بی‌جینگ (چین) برای مداوا به سر می‌برد. وی به‌رغم توان بالقوه (رهبری مذهبی و سیاسی کشور) رهبر بسیار ضعیفی است. مقایسه کنید نورودوم سیهانوک را با پادشاه فعلی تایلند پادشاه بومیبول ادول یادج (King Bhumibol Adulyadej)، «رامای نهم»، که با وجودی که ریاست پادشاهی مشروطه را بر عهده دارد، به علت درایت در رهبری حافظ ثبات و امنیت کشور است و بسیار برای مردمش سرنوشت‌ساز واقع شده است. وی از سال ۱۹۴۶ پادشاهی این کشور را بر عهده دارد.

16. Behzad Shahandeh, "Constructive Disengagement".

17. *ASEAN Economic Bulletin* (Asean Secretariate Jakarta-Indonesia, 1997).

18. *ASEAN Information Statistics*, jakarta, 1997.

19. *Ibid.* p.